

وَبَآيَنَهُ دَارِي حَسَن فاشم * دَل كُفْتُ صورتی بنمای * تا¹
 مَعْنَى هُنَرِ تُو بَدَانَم * وَرَقْمِي³ بپیروی * تا نَقْشِ دَانَشِ تُو
 بخوانم * خِيَال⁴ قَلَمٌ تَبَيَّرَقَدَمٌ بر داشت * و صورت حَسَن بر
 وَرَقْمِي⁵ بنگاشت * دَل چون آن صورت⁶ در نَظَرٌ دید * تَبَصُّدٌ⁷
 هَزَارٌ دَل عَاشِقِ آن صورت گردید * و با خِيَالِ وَنَظَرِ⁸ مُصَلِّحَتِ
 دید * و عَازِمِ شَهْرِ دِيدَارِ مُصَمِّمِ⁹ گردید *
 اَمَّا رَاوِي كَوِيْد¹⁰ كَه دَل رَا وَرِيزِي بُوْد¹¹ وَهَم نَام او * و در¹²
 حَوَالِي صَوْمَعَةٍ عَقَلِ مَقَامِ او * از عَزِيْمَتِ دَل¹³ خَبَرِ شَنِيد *
 و پيش عَقَلِ¹⁵ سَرْدَارِ¹⁶ دَوِيْد * و عَمَّازِي¹⁷ نَمُوْد * كَه نَظَرِ¹⁸ كَه
 از¹⁹ بَدَنِ²⁰ غَايِبِ بُوْد * حَالَا مُرَاجَعَتِ كَرْدِه * وَنَقَاشِي از

¹ L. تامعنى وهنر ترا; Pr. تامعنى هردو.

² Pr. ورقى.

³ V. پىراى; L. بىسراى (?).

⁴ V. قدم تيز کرد و قلم را برداشت.

⁵ L. ورقى.

⁶ V. nur دید.

⁷ V. جَانِ نِثَارُ كَرْدِه باخيال

⁸ L. und V. nur شهر دیدار کشت.

⁹ Fehlt in V.

¹⁰ Fehlt in Pr.; in L. fehlt diese ganze Formel.

¹¹ L. نام او وهم.

¹² و fehlt in V; in L. fehlt der ganze Satz bis و مقام او.

¹³ V. خبردار شد; L. خبردار گردید.

¹⁴ و fehlt in L.

¹⁵ Fehlt in L.

¹⁶ L. und V. رفت.

¹⁷ V. نُمَارِي.

¹⁸ Fehlt in V. und Pr.

¹⁹ L. دل.

²⁰ V. غايىست.

²¹ Fehlt in V. und Pr.